



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# منسوین

## پیامبر (ص)

عباس ہاشمی رضوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# منسویین پیامبر (ص)

نویسنده:

عباس هاشمی رضوی

ناشر چاپی:

ابرار اقتصادی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	منسوبین پیامبر (ص)
۷	مشخصات کتاب
۷	آمنه
۷	ام حبیبه
۷	ام سلمه
۸	حسن بن حسن بن علی
۸	حضرت حمزه سید الشهداء
۸	اشاره
۹	شهادت
۹	خدیجه
۱۰	زینب بنت جحش
۱۱	عبدالله بن عباس
۱۱	اشاره
۱۲	وفات
۱۲	علی بن جعفر
۱۲	ولادت
۱۳	سیره
۱۳	جهاد و مبارزه
۱۳	سخنان علما
۱۳	اساتید
۱۳	شاگردان
۱۳	تالیفات

وفات ..... ۱۴

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۱۴

## منسوبین پیامبر (ص)

## مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۰-۵۱۹۲

سرشناسه: هاشمی‌رضوی عباس عنوان و نام پدیدآور: منصوبینی که از "منسوبین هستند/ هاشمی‌رضوی عباس منشا مقاله:، ابرار اقتصادی، (۲۹ خرداد ۱۳۸۰): ص ۶.

توصیفگر: انتخاب مدیران توصیفگر: نخبگان حکومتی توصیفگر: وزارت بازرگانی توصیفگر: نوآوری

## آمنه

آمنه، دختر وهب بن عبدمناف، همسر عبدالله بن عبدالمطلب و مادر گرامی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است. وی به پاکی و عفت شهره بود. عبدالمطلب، وی را به عقد فرزندش، عبدالله، درآورد و ثمره ازدواج آن دو، نوری بود که در هفدهم ماه ربیع الاول، روز جمعه و پس از طلوع فجر، پا به جهان هستی گذاشت. در هنگام ولادت فرزند آمنه، ایوان کسری شکافت و چند کنگره آن فرو ریخت، آتش آتشکده فارس خاموش شد، دریاچه ساوه خشک گردید، بت‌های بتخانه مکه سرنگون شد، نوری از وجود آن حضرت به سوی آسمان بلند شد که شعاع آن فرسنگ‌ها راه را روشن کرد و انوشیروان و موبدان خواب و حشتناکی دیدند. آمنه می‌گوید: چون فرزندم به دنیا آمد، نور خیره‌کننده‌ای آشکار شد که شرق و غرب را روشن کرد و من در آن روشنایی قصرهای شام و بصری را دیدم. همه این عظمت، نشان از لیاقت و شرافت و بزرگواری آمنه دارد. مادری که خدا او را برای به دنیا آوردن الگوی خلقت برگزیده بود. وی در هنگام بارداری، نوری در خود مشاهده کرد که گویای آینده‌ای روشن برای محمد بن عبدالله بود. پیامبر، پنج ساله بود که به همراه مادر راهی یثرب شد تا آرامگاه پدرش را که قبل از تولد او جان به جان آفرین تسلیم کرده بود زیارت کند. آمنه که برای اولین بار به آرزویش رسیده بود، فرصت را غنیمت شمرد و یکماه در یثرب ماند تا در کنار قبر همسرش، عبدالله عقده دل بگشاید و فرزندش نیز، به یاد پدر، دیدگان با اشک آشنا سازد. هنوز غم زیارت قبر پدر، بر روح پیامبر (ص) حکمفرما بود که در هنگامه مراجعت به مکه، آمنه نیز در میان راه، در محلی به نام ابواء به سوی معبود شتافت و غمی بر غم‌های رسول خدا (ص) افزوده شد.

## ام حبیبه

ام حبیبه یا رمله، دختر ابوسفیان و از زنان نمونه‌ای است که به همراه همسرش عبیدالله بن جحش (پسر عمه پیامبر (ص)) به حبشه مهاجرت کرد. عبیدالله در حبشه، تحت تاثیر تبلیغات مسیحیت قرار گرفت و از آیین اسلام خارج شد، ولی ام حبیبه، تسلیم فکر غلط شوهرش نشد و با وی به مبارزه پرداخت. عبیدالله بن جحش، غرق در گمراهی، آن قدر مشروب خورد که از پای درآمد. پس از مرگ عبیدالله، ام حبیبه در خواب دید که کسی به او ام المومنین خطاب می‌کند و تعبیر کرد که پیامبر اکرم (ص) با وی ازدواج خواهند کرد.

## ام سلمه

ام سلمه از زنان بزرگوار و عالی مقام صدر اسلام بود که پس از شهادت شوهرش، ابوسلمه، همسر رسول گرامی اسلام (ص)

شد. وی، همواره یاری مهربان برای پیامبر (ص) بود و پس از نبی اکرم (ص) نیز همیشه به خاندان نبوت، تعلق خاطر داشت و از حریم آنان دفاع می کرد. ام سلمه همراه با ابوسلمه، با کاروان جعفر طیار (ع) به حبشه مهاجرت کرد و در آن جا خداوند فرزندی به نام عمر به آنان عطا کرد. عمر بن ابی سلمه از فرزندان نیک ام سلمه بود که مادرش در جنگ جمل او را به یاری حضرت علی (ع) فراخواند و طی نامه ای که همراه او برای امیرالمومنین (ع) فرستاد، نوشت: اگر جهاد بر زنان واجب بود، من در جهاد شرکت می کردم، اما جهاد را خداوند بر ما واجب نکرده است. از این رو پسرم را که چون جانم عزیز می دارم، فرستادم تا در خدمت شما باشد و با دشمنان خداوند جهاد کند!

### حسن بن حسن بن علی

حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) معروف به حسن مثنی شخصیتی عظیم الشان و دانشمند و پرهیزگار بوده و تولی صدقات و اوقاف امیرالمؤمنین (علیهم السلام) را بعهد داشته. گویند وی در واقعه کربلا - که آنروز کودکی خردسال بوده حضور داشته و در میان اسیران بوده و بنقلی به شفاعت اسماء بن خارجه بجهت جراحاتی که به تن داشته از قتل نجات یافته. وی در عهد عبد الملک مروان با حکومت بنی مروان در مبارزه بود تا اینکه والی مدینه وی را بزندان افکند. نقل است که ولید بن عبد الملک به والی خود در مدینه صالح بن عبدالله مری نوشت که حسن بن حسن را (که آنروز در زندان او بود) در مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پانصد تازیانه بزن. صالح وی را بمسجد برد و مردم گرد آمده وی به منبر شد و بخواندن نامه خلیفه پرداخت که پس از آن بضرب تازیانه دستور دهد، در این بین امام سجاد (علیه السلام) وارد مسجد شد، مردمان او را راه دادند تا به کنار حسن آمد و به وی فرمود: ای پسر عم! خدا را به (دعای کرب) بخوان تا ترا نجات دهد. این بگفت و از مسجد بیرون شد. حسن بخواندن آن دعا مشغول شد و چون صالح، نامه خلیفه را پایان رسانید و از منبر بزیر آمد گفت: من چهره حسن را چهره مظلوم می بینم امرش را به تاخیر افکنید تا درباره اش از خلیفه کسب تکلیف مجدد کنیم. آنگاه به خلیفه نامه نوشت و خلیفه بلافاصله دستور آزادی او را صادر نمود. و سرانجام وی در سن سی و پنج سالگی به سم ولید بن عبد الملک از دنیا رفت و همسرش فاطمه بنت الحسین خیمه ای بر قبرش پیا ساخت و تا یکسال بر او نوحه سرائی نمود و خود نیز در پایان سال از رنج و اندوه در گذشت. (بحار: ۱۱۴ / ۴۶)

### حضرت حمزه سید الشهداء

#### اشاره

حمزه بن عبدالمطلب، عموی پیامبر گرامی اسلام بود، دو سال پیش از ولادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیده به جهان گشود. در میان جوانان قریش در دلاوری و بزرگواری برجسته و در آزاداندیشی، آزادمنشی و ستمستیزی سرآمد بود. سلحشوری و توان رزمی وی همزمان با آغاز دوره جوانی نمودار شد. آن آزادمرد، حتی پیش از پذیرش اسلام، از رسول خدا در برابر آزارهای مشرکان حمایت می کرد، گرویدن وی به اسلام موجب سربلندی دین خدا شد؛ زیرا پس از آن مسلمانان از انزوا بیرون آمدند و قریش با درک پشتیبانی توانا و استوار حمزه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از آزارهای خود کاستند و رفتارشان با رسول خدا و مسلمانان ملایمتر شد. حمزه (علیه السلام) همراه دیگر مسلمانان به مدینه هجرت کرد و خدمات ارزنده‌ای بویژه در امور نظامی ارائه داد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مسائل دفاعی حکومت نو بنیاد خود اهتمام خاصی داشتند. ایشان با تشکیل گروههای رزمی درصدد برآمدند امنیت مدینه را تامین کرده، مسلمانان را برای رویارویی با دشمنان آماده سازند. بر این اساس هفت ماه پس از



هجرت، نخستین گروه گشتی رزمی را به فرماندهی حضرت حمزه (علیه السلام)، اعزام نمودند. گرچه این رویارویی بدون درگیری پایان یافت ولی نشانه‌ای از اقتدار سپاه اندک اسلام در برابر کاروان بزرگ مشرکان بود. رسول گرامی اسلام در ربیع‌الاول سال دوم هجرت غزوه ابواء را تدارک دید و در جمادی‌الاولی غزوه ذات‌العشیره را به قصد تعقیب کاروان قریش سازماندهی کرد. در این دو غزوه نیز پرچمدار سپاه اسلام، حضرت حمزه بود. آن رزمنده نستوه در جنگ بدر حضوری درخشان داشت. این نبرد با امدادهای الهی و دلاوری‌های بی‌مانند امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و سلحشوری حمزه، با پیروزی قاطع سپاه اسلام به پایان رسید. در این پیکار تنی چند از سران کفر به دست توانای حمزه به هلاکت رسیده یا به اسارت درآمدند. طعیمه بن عدی و ابوقیس بن فاکه از جمله این کشته شدگان بودند؛ و اسود بن عامر به دست حمزه به اسارت درآمد، سیدالشهدا حمزه بن عبدالمطلب در غزوه بنی قینقاع پرچمدار سپاه اسلام بود. یهودیان بنی قینقاع نخستین گروه یهود بودند که با اسلام اعلام جنگ نمودند، سپاه اسلام قلعه آنها را محاصره کرد. آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنان را از مدینه تبعید نمود و اموالشان را مصادره کرد. یک سال پس از جنگ بدر، غزوه احد با هدف مقابله با مشرکانی که برای انتقام‌گیری از مسلمانان و جبران شکست بدر به سمت مدینه آمده بودند آغاز گردید. حمزه و برخی دیگر از مسلمانان سلحشور، معتقد به جنگ برون شهری بودند، حمزه به رسول خدا عرض کرد: سوگند به آن که قرآن را بر تو فرستاد امروز دست به غذا نخواهم برد، مگر آنکه بیرون مدینه با شمشیر خود بر دشمن بتازم! حضرت حمزه (علیه السلام) از معدود قهرمانانی بود که در جنگ، نشان بر خود می‌نهاد و بدین وسیله خود را به دوست و دشمن معرفی می‌کرد. او نمونه‌ای از شجاعت و دلیری در میدان نبرد بود، خود را به اعماق صفوف دشمن می‌رساند و با دشمن درگیر می‌شد، از قدرت بازوی برجسته‌ای بهره‌مند بود. در احد با دو شمشیر پیش رسول خدا می‌جنگید و می‌گفت: من شیر خدا هستم!

### شهادت

در احد، به هنگام تهاجم دشمن، وفادار و ثابت قدم از رسول خدا دفاع می‌کرد و توانست سی مشرک جنگجو را به هلاکت برساند. یکی از مشرکان به نام وحشی زیر درختی در کمین آن سردار دلاور نشسته بود حمزه او را دید و آهنگ او کرد. یکی از دشمنان راه را بر او بست، حمزه به او حمله کرد و وی را به قتل رساند. سپس با شتاب به سوی وحشی خیز برداشت ولی پایش در گل سر خورد و به زمین افتاد. در این هنگام وحشی زوبین به سویش پرت کرد... و بدین ترتیب آن بزرگوار پس از عمری جهاد در راه خدا و یاری پیامبر گرامی به ملکوت اعلی پیوست و آن سردار رشید، شهید شاهد بارگاه الهی شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در منزلت او فرمود: سالار شهیدان در روز قیامت نزد خداوند حمزه است مزار آن سردار شهید و دیگر شهیدان احد همواره زیارتگاه عاشقان و عارفان الهی و الهام‌بخش جهاد و شهادت به مبارزان بوده است. السلام علیک یا عم رسول الله السلام علیک یا خیر الشهداء السلام علیک یا اسد الله و رسوله

### خدیجه

حضرت خدیجه دختر خویلد، زنی پاکدامن و عفیف بود و از بازرگانان قریش به حساب می‌آمد. وی به دنبال مرد امینی می‌گشت که زمام تجارت او را بر عهده بگیرد. امانت داری محمد بن عبدالله در میان مردم شهرت داشت. از این رو، خدیجه به دنبال پیامبر (ص) فرستاد و گفت: چیزی که مرا شایسته تو کرده راستگویی، امانتداری و اخلاق پسندیده تو است و من حاضریم دو برابر آنچه به دیگران می‌دادم به تو بدهم و دو غلام خود را نیز همراه تو بفرستم که در تمام مراحل فرمانبردار تو باشند. نبی گرامی اسلام (ص) نیز دعوت خدیجه را پذیرفتند و کاروان قریش به حرکت درآمد. سفر بازرگانی پرسودی بود. پس از تجارت، کاروان به مکه بازگشت و پیامبر گزارش سفر را برای خدیجه تشریح کرد. چیزی نگذشت که میسر غلام خدیجه نیز وارد شد و آنچه را در این سفر

دیده بود موبه مو برای مولایش تعریف کرد و گفت: امین در بصری، به منظور استراحت، زیر سایه درختی نشست. در آن هنگام، چشم راهبی به امین افتاد و از من نام او را پرسید و سپس چنین گفت: این مرد، همان پیامبری است که در تورات و انجیل، درباره اوبشارت های فراوانی خوانده ام! حضرت خدیجه ی پس از این سخنان، علاقه مفراطی به محمدر، که سرچشمه آن از معنویت وی سرچشمه می گرفت، در خود احساس می کند. و پس از آن در عالم رویا می بیند که خورشید، بالای مکه چرخ خورد و کم کم پایین آمد و در خانه او فرود آمد. دختر خویند، خوابش را برای عموزاده خود ورقه بن نوفل که از دانایان عرب بود، نقل می کند و عموزاده اش می گوید: تو با مرد بزرگی ازدواج خواهی کرد که شهرت او عالم گیر خواهد شد. خدیجه به این ازدواج تمایل پیدا می کند، لذا نفیسه، دختر علی که از زنان قریش و دوستان نزدیکش بود، مامور ابلاغ این پیام به محمد بن عبدالله ر می کند. فرستاده خدیجه به پیامبر (ص) می گوید: محمد! چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسر روشن نمی کنی؟ هرگاه من تو را به زیبایی و ثروت، شرافت و عزت دعوت کنم می پذیری؟ پیغمبر فرمودند: منظورت کیست؟ نفیسه، خدیجه را معرفی می کند. پیغمبر می فرماید: آیا خدیجه به این کار راضی می شود، با این که وضع زندگی من با او فرق زیادی دارد؟ نفیسه می گوید: اختیار او به دست من است و من او را حاضر می کنم. پس از آن، پیامبر اکرم (ص) با عموهای بزرگوار خود، جریان را در میان نهادند. مجلس باشکوهی تشکیل و عقد نکاح پیغمبر و خدیجه جاری شد. بعد از ازدواج آن دو، الفت، محبت و معنویت میانشان پدید آمد که خدیجه تمام ثروت خود را در اختیار محمد گذاشت. آن گاه که پیامبر به رسالت مبعوث شد، اولین زنی که به محمدر ایمان آورد، خدیجه بود. خدیجه به همراه همسرش و علی بن ابیطالب (ع) به مسجد الحرام می رفت و در آن جا به پیغمبر اکرم (ص) اقتدا می کرد و با ایشان نماز میخواند. این حرکت، نشانه شجاعت، راست قامتی و ایمان خدیجه است. در چنان شرایطی که تمام دشمنان اسلام علیه پیغمبر (ص) قدرافراشته اند، او با یک دنیا تعبد، به کنار کعبه می آید و به نماز می ایستد و عملاً با تمام بت ها و طاغوت ها مبارزه می کند. در زمانی که مشرکین و کفار، با سخت ترین شکنجه ها تلاش می کردند تا راه نفوذ اسلام را در سطح عربستان، سد کنند و بارها در مسیر مسجد الحرام تا خانه، به پیامبر سنگ می زدند، خدیجه گاه سپری بود که سنگ ها را بر جان می خرید تا کمتر به دست و پای پیغمبر آسیبی برسد. حضرت خدیجه، علاوه بر همسری رسول خدار، لیاقت مادری فاطمه (س) را دارد که با عنوان ام الائمه، ارزش های شکل گرفته در زمان پیامبری محمد بن عبدالله (ص) را تا انتهای دنیا، حفظ و پاسداری می کند. ارزش هایی که بدون حمایت خدیجه پدیدار نمی شد و آن بانوی گرامی، با دلداری دادن همسرش، بذل تمامی ثروتش و با شجاعت و شهامتش، به پیامبر قدرتی می داد که با دلگرمی به ترویج اسلام پردازد و از آزار دشمنان نهراسد. این واقعیت در سال دهم بعثت، عیان تر شد و آن زمانی بود که خدیجه، پیامبر را تنها گذاشت، کوله بار سفر را بست و به سوی معشوق شتافت. پیامبر گرامی اسلام (ص) بعد از این واقعه، جنازه حضرت خدیجه را در مکانی به نام حجون، در مکه دفن کردند. قبل از دفن، خود به میان قبر رفتند و جنازه را در آن نهادند و با دست مبارک خود بر آن خاک ریختند.

### زینب بنت جحش

زینب، دختر جحش و امیمه، از زنان روزه دار، شب زنده دار، نیکوکار و نمونه ای بود که در جنگ احد منشا خدمات مهمی واقع شد. وی که از اشراف زادگان قریش بود، به پیشنهاد حضرت محمدر، به همسری زید بن حارثه درآمد. زید که غلام حضرت خدیجه بود و آن حضرت، وی را به پیامبر اکرم (ص) بخشیده بود، توسط نبی گرامی اسلام (ص) آزاد شد. پس از آن، پیامبر وی را پسر خود نامیده، از زینب برای او خواستگاری کردند. خانواده دختر هم به خاطر دستور حضرت محمدر، زید را به دامادی پذیرفتند و بدین گونه زینب به خانه شوهر رفت. این ازدواج، در حقیقت مقدمه ای برای شکستن یک سنت غلط جاهلی بود و زینب از جانب خداوند و پیامبرش مامور شده بود تا به عنوان یک زن با شخصیت و سرشناس با برده ای ازدواج کند، آن هم در زمانی که هیچ

کس به این نوع ازدواج تن نمی داد. پس از مدتی بین زید و زینب اختلاف افتاد و تصمیم گرفتند که از هم جدا شوند. خداوند به پیامبر (ص) دستور داد: و اذ تقول للذی انعم الله علیه وانعمت علیه امسک علیک زوجک واتق الله، به زید که مورد لطف خداوند تو واقع شده است، می گویی: همسرت را نگاهدار و از خدا بپرهیز. کوشش پیامبر (ص) به ثمر نرسید و زینب و زید، بر اثر ناسازگاری های اخلاقی از یکدیگر جدا شدند و پیامبر گرامی اسلام (ص)، به فرمان خداوند بزرگ، برای جبران شکست زینب، وی را به همسری خود برگزیدند. زینب که در گذشته همسر پسرخوانده رسول الله بود، اینک به دستور پروردگار با رسول خدار ازدواج می کند تا سنت غلط دیگری نیز در آن دوران باطل شود. عقد این همسری را خداوند اجرا می کند، چنانچه قرآن می فرماید: هنگامی که زید از همسرش جدا شد، ما او را به همسری تو در آوردیم تا مشکلی برای مومنان در ازدواج با همسران پسرخوانده های آنها، هنگامی که از آنان طلاق گیرند، نباشد. این ازدواج، افتخاری برای زینب شد که همواره بر آن می بالید و می گفت: مرا خدا برای پیامبر برگزیده است. آن هنگام که خبر این ازدواج را به زینب دادند، از خوشحالی سر بر خاک گذارد و پروردگارش را سجده کرد. وی، زنی نیکوکار بود و با دستمزد کارش، به مستمندان رسیدگی و کمک می کرد و آن را به مصرف تهیدستان می رساند. در زمان خلیفه دوم، از بیت المال مسلمین، سالی دوازده هزار درهم به او می دادند، ولی او فقط یک بار آن را گرفت و بین فقرا و بینوایان تقسیم کرد. سپس گفت: خدا! در سال آینده این مال را نصیب من مفرما که فتنه است. این خبر به خلیفه دوم رسید. تعجب کرد و گفت: باید به این زن بیشتر کمک شود. سپس هزاردرهم دیگر برایش فرستاد و پیام داد که شنیده ام آن پول را به فقرا بخشیده ای، این پول را برای خودت بردار. زینب این هزاردرهم را نیز به مصرف تهیدستان رسانید و خود درهمی از آن، برنداشت. آن بانوی نمونه در سال بیستم هجری زندگی را بدرود گفت و در حالی که ۵۳ سال بیشتر نداشت، به دیار باقی شتافت.

## عبدالله بن عباس

### اشاره

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب از یاران دانشمند پیغمبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و پسر عم او بوده و سه سال قبل از هجرت در ایامی که پیغمبر در شعب ابوطالب در محاصره بود به دنیا آمد. ابن عباس بر اثر دعای پیغمبر (صلی الله علیه وآله) در باره اش که در حدیث آمده و نیز بسبب هوش و ذکاوت و جدیت فراوانی که در کسب دانش داشت در علم تفسیر و فقه و حدیث بجائی رسید که او را حبر الأئمه می خواندند و مسلمانان در مسائل مشکله به وی رجوع میکردند و نظرش در مسائل، مورد اتفاق بوده. کوشش او در فراگرفتن دانش به حدی بوده که خود گوید: اگر میشنیدم شخصی حدیثی را میداند که من آن را نشنیده‌ام بدر خانهاش میرفتم و بیرون در عبایم را می گستردم و بروی آن می نشستم، باد خاکهای کوچی را بر سرم میریخت، منتظر بودم تا صاحب خانه بیرون آید و چون بیرون می‌آمد و مرا میدید پوزش میخواست و میگفت: چه کاری داری؟ و چون منظورم را میگفتم وی میگفت: این وظیفه من بوده که بنزد تو آیم. و من میگفتم: احترام دانش اقتضا میکند که من خود به دنبال آن بروم. وی علاوه بر علم تفسیر و حدیث در شعر و تاریخ و ریاضیات نیز تسلط داشته و وی را در هر بخشی از این علوم شاگردانی بوده. او کسی است که علی (علیه السلام) وی را چنان شایسته فراگیری علم میدانسته که گاهی شب تا به صبح وی را تفسیر بخشی از قرآن می‌آموخت. عبدالله در جنگ جمل و صفین در رکاب علی (علیه السلام) بوده و در جمل پس از پایان جنگ او را به نزد عایشه فرستاد که به وی بگوید زودتر به مدینه بازگردد. عایشه آن روز در نزدیکی بصره در جائی بنام قصر بنی خلف سکونت داشت و چون عبدالله به آنجا رفت عایشه وی را اجازه ورود نداد، وی بی اجازه به خانه درآمد و بر فرشی که آنجا بود نشست، عایشه از پشت پرده صدا زد ای پسر عباس برخلاف

سنت عمل کردی که بدون اجازه به خانه ما آمدی و بر بساط ما نشستی! ابن عباس گفت: ما در عمل به سنت پیغمبر از تو پیشیم که سنت را ما به تو آموختیم و خانه تو همان است که پیغمبر ترا به ملازمت آن امر نمود و تو ناروا از آن بیرون شدی و بر خود ستم نمودی و بدین آئین خیانت کردی و بر خدای خویش سرکشی نمودی و پیامبرش را ترمزد جستی، چون به خانه خود روی بی اجازه ات وارد نشویم، امیرالمؤمنین علی ترا فرمان داده که به مدینه برگرد و بیش از این در این سرزمین نمان. عایشه گفت: خدا امیرالمؤمنین را رحمت کند وی عمر بن خطاب بود. عبدالله گفت: به خدا سوگند به رغم آنف دشمنان تنها کسی که امیرالمؤمنین بر او صادق است همین مرد است که او از هر کسی به رسول خدا نزدیک تر و سابقه اش در اسلام و همچنین دانشش از همه بیشتر و مقامش والاتر و آثارش در اسلام از پدر تو و عمر فزون تر است، بدان ای عایشه که سرپیچی تو از علی بسی کوتاه مدت بود ولی جرم و گناهش بزرگ، شومی و پیامد سواش آشکار و تیرگی و ناپسندیش بر همگان روشن است... عایشه بگریست و اشک از دیدگانش سرازیر گشت، صدایش به ناله بلند و گریه در گلویش شکست و گفت: من از این سرزمین میروم زیرا جانی نزد من بدتر از آنجا نبود که شما در آن باشید. ابن عباس گفت: به خدا سوگند چه مصیبتها که از ناحیه تو دیدیم و چه نتیجه‌ها که از کردار تو گرفتیم، ترا ام المؤمنین خواندیم با اینکه مادرت ام رومان بود، پدرت را صدیق لقب دادیم با وجود اینکه وی پسر ابوقحافه بود! عایشه گفت: ای پسر عباس به پیغمبر بر من منت مینهی؟! ابن عباس گفت: چرا منت نهم که اگر تو به اندازه سر موئی از او بهره داشتی بر ما منت می نهادی در صورتی که ما از خون و گوشت او میباشیم، تو یکی از نه زن بودی که از پیغمبر به جا ماندید، تو بر هیچیک آنها مزیتی نداری چه شده که امر میکنی و نهی مینمائی و منتظری از تو اطاعت کنند؟! سپس ابن عباس بنزد علی (علیه السلام) بازگشت و ماجری را به عرض رساند. حضرت فرمود: من ترا می شناختم که برای این پیام انتخاب نمودم. (رجال کشی) نقطه ضعفی که در زندگی ابن عباس به چشم میخورد موضوع نسبت اختلاس اموال بیت المال به وی میباشد موقعی که او از سوی امیرالمؤمنین (علیه السلام) حاکم بصره بوده و این داستان و نامه حضرت به وی و پاسخ او به حضرت در نهج البلاغه و شرح ابن ابی الحدید مشروحاً ذکر شده است و برخی در مقام دفاع از او گفته اند: وی عبدالله بن عباس بوده نه عبدالله، و بعضی از اصل این داستان را بی اساس دانسته اند، ولی از بشر غیر معصوم شکست خوردن در برابر آزمایشهای مالی عجیب نیست. والله العالم. در حدیث آمده که پیغمبر (صلی الله وعلیه و آله) در باره عبدالله بن عباس فرمود: عبدالله نمیرد تا اینکه بینائی خویش را از دست بدهد و به دانشی دست یابد. (بحار: ۱۸/۱۲۶) از این رو میتوان گفت: عدم مصاحبت او با امام حسین (علیه السلام) در واقعه کربلا بجهت نابینائی او بوده است.

## وفات

عبدالله بن عباس سال ۶۸ هجری در سن ۷۱ سالگی در طائف از دنیا رفت.

## علی بن جعفر

### ولادت

علی بن جعفر فرزند امام جعفر صادق (علیه السلام) و برادر کوچک امام موسی کاظم (علیه السلام) است، بنابر این، وی از علمای قرن دوم هجری است. او در نوجوانی پدر خود را از دست داد و در حمایت برادر بزرگوار خود قرار گرفت و معارف اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را از سرچشمه زلال آن فرا گرفت. ایشان را علی بن جعفر عریضی می گویند. عریض نام محله ای در اطراف شهر مدینه است که ایشان و فرزندانش در آنجا زندگی می کرده اند و سادات عریضی از طریق وی به امام جعفر

صادق (علیه السلام) منسوب می شوند.

### سیره

علی بن جعفر از یاران با وفای امام موسی کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی (علیهم السلام) میباشد. وی پیوسته در خدمت امام موسی کاظم (علیه السلام) بود و در سفرهای متعددی نیز در کنار ایشان بوده و علوم فراوانی را از آن حضرت فرا گرفته و محرم اسرار و حافظ اموال آن حضرت به شمار می رفت. در زمان امامت امام رضا (علیه السلام) همانند سدی آهنین در برابر واقفیه که یک فرقه انحرافی بودند ایستاد و از امام رضا (علیه السلام) حمایت کرد. در زمان امامت امام جواد (علیه السلام) در حالی که پیر مردی سالخورده بود به استقبال امام جواد می رفت در حالی که آن حضرت کودکی خرد سال بود و بعد از احترام فراوان کفشهای آن حضرت را آماده می نمود و وقتی مورد اعتراض واقع می شد استناد به امامت و افضلیت آن حضرت می نمود.

### جهاد و مبارزه

علی بن جعفر در سال ۲۰۳ ه همراه برادرش محمد بن جعفر (علیه السلام) در قیام طالبین شرکت کرد و جنگ سختی میان آنان و هارون بن مسیب، حاکم عباسی در گرفت.

### سخنان علما

شیخ مفید می فرماید: علی بن جعفر از راویان حدیث است و سخنانش بسیار محکم و قابل اطمینان و شخصیتی با تقوا و صاحب فضل است. وی پیوسته ملازم و همراه برادرش امام موسی کاظم علیه السلام بود و روایات فراوانی را از آن حضرت روایت کرده است. شیخ طوسی می فرماید: او شخصی جلیل القدر و مورد اطمینان است. علامه حلی نیز می فرماید: او شخصیتی مورد اطمینان است و کشی روایتی درباره او نقل کرده که خود دلیل بر عقیده درست و ادب او در برابر امام جواد علیه السلام می باشد.

### اساتید

علی بن جعفر از محضر امام جعفر صادق، امام موسی کاظم و امام رضا (علیهم السلام) بهره برده و از ایشان روایت نقل می کند. علاوه بر آن، از حسین بن زید شهید، سفیان بن عیینه، محمد بن مسلم، عبد الملک بن قدامه، معتب و ابوسعید مکی نیز روایت می کند.

### شاگردان

او شاگردان فراوانی داشته است که اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱- احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی ۲- یونس بن عبد الرحمن ۳- علی ابن اسباط ۴- عبد العظیم بن عبد الله حسنی ۵- ایوب بن نوح ۶- عمر کی بن علی و...

### تالیفات

تنها کتابی که از ایشان به دست ما رسیده، کتاب ارزشمند مسائل علی بن جعفر است که سؤالات ایشان و جواب های امام موسی کاظم (علیه السلام) در آن جمع آوری شده است.

## وفات

علی بن جعفر چهار امام را درک کرده و با توجه به شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) که سال ۱۴۸ ه. ق است و امامت امام هادی (علیه السلام) که ۲۲۰ ه. ق است او باید بیش از ۸۰ سال عمر کرده باشد.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای



(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

